



DOI: 10.30470/jaer.2026.2082059.1196

A Reading of the Persian Garden in the Light of Mulla Sadra's Transcendent Philosophy

Mahsa Haghani^{1*} , Alameh Salehi Baladehi² , Roya Karimi³

1. Instructor, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran. Mhaghani@tvu.ac.ir
2. PhD student in Architecture, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran, Iran. Asalehi13@yahoo.com
3. PhD student in Architecture, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Roya.karimi224@gmail.com

Research Article

Abstract

The Persian Garden, as one of the manifestations of Iranian art, is not merely an aesthetic phenomenon but also a philosophical text rooted in Iranian-Islamic wisdom. Understanding the essence of the creation of the Persian Garden through a profound recognition of its underlying spiritual concepts can contribute to a more accurate understanding of the identity-defining principles of these gardens. This study aims to elucidate the influence of the theoretical principles and ideas of Mulla Sadra's Transcendent Philosophy (Hikmat al-Muta'Aliyah) on the creation of the Persian Garden and seeks to answer the question of how the architecture of the Persian Garden can be interpreted based on the principles of Transcendent Philosophy. The present study is fundamental-theoretical research focusing on the influence of philosophical thought on the creation of the Persian Garden, employing a descriptive-analytical approach based on logical reasoning. In the content analysis of philosophical texts, particular emphasis was placed on Transcendent Philosophy, followed by an examination of the principles of the Persian Garden to identify the relationships between the foundations of Transcendent Philosophy and the formation of the Persian Garden through four fundamental principles: the Primacy of Existence, the Unity of Being, the Gradation of Being, and Substantial Motion. The findings indicate that, across different historical periods, the Persian Garden has sought to create a spiritual, sacred, and contemplative environment through an emphasis on the philosophical principles of Transcendent Philosophy. This spirituality is manifested at multiple levels, ranging from theoretical foundations and spatial organization patterns to physical and sensory manifestations, directing the design toward the Divine Essence and the truth of existence. Accordingly, the Persian Garden, in its essence, is not merely an assemblage of aesthetically pleasing and functional spaces, but rather an embodiment of divine thought and the manifestation of meaning within matter.

*Corresponding Author:

Mahsa Haghani
Mhaghani@tvu.ac.ir

Received: 2026/01/04

Accepted: 2026/02/20

Keywords: Persian Garden; Transcendent Philosophy; Primacy of Existence; Unity of Being; Gradation of Being; Substantial Motion.

Cite this article: Haghani, M., Salehi Baladehi, A., & Karimi, R. (2026). A Reading of the Persian Garden in the Light of Mulla Sadra's Transcendent Philosophy. *Journal of Architectural & Environmental Research*, 3(5), 31-52. <https://doi.org/10.30470/jaer.2026.2082059.1196>



Print ISSN: 2588-6363
Online ISSN: 2981-247X

<https://jaer.znu.ac.ir/>



Authors
University of Zanjan



DOI: 10.30470/jaer.2026.2082059.1196

خوانش باغ ایرانی در پرتو حکمت متعالیه ملاصدرا

مهسا حقانی^{۱*} ID، عالمه صالحی بالادهی^۲ ID، رویا کریمی^۳ ID

۱. مربی، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران. رایانامه: Mhaghani@tvu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری معماری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Asalehi13@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری معماری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Roya.karimi224@gmail.com

مقاله پژوهشی

چکیده:

باغ ایرانی به عنوان یکی از تجلی‌گاه‌های هنر ایرانی، نه تنها پدیده‌ای زیبایی‌شناختی، بلکه متنی فلسفی، برآمده از حکمت ایرانی-اسلامی است. درک مفهوم حقیقت خلق باغ ایرانی با شناخت عمیق مفاهیم معنوی مستتر در آن، ما را در درک درست معیارهای هویتی این باغ‌ها باری می‌بخشد. مطالعه حاضر با هدف تبیین تأثیر آراء و اصول نظری حکمت متعالیه در اندیشه‌های ملاصدرا در خلق باغ ایرانی، در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان معماری باغ ایرانی را براساس حکمت متعالیه تبیین کرد. نوشتار حاضر، مطالعه‌ای بنیادی-نظری با محوریت تأثیر تفکرات فلسفی بر آفرینش باغ ایرانی است؛ که به‌صورت توصیفی-تحلیلی با استدلال منطقی صورت پذیرفته‌است. در بخش تحلیل محتوای متون فلسفی تمرکز بر حکمت متعالیه صورت پذیرفته و سپس در جهت کشف ارتباط میان مبانی حکمت متعالیه و آفرینش باغ ایرانی از طریق بهره‌مندی از چهار اصل «اصالت وجود»، «وحدت وجود»، «اصل تشکیک وجود» و «حرکت جوهری»، اصول باغ ایرانی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل حاکی از آن است که باغ ایرانی در دوره‌های تاریخی مختلف با تأکید بر اصول فلسفی حکمت متعالیه سعی در خلق فضای روحی معنوی و قدسی دارد. این معنویت در تمامی سطوح از مبانی نظری و الگوهای سازماندهی فضایی گرفته تا مصادیق کالبدی و حسی حضور دارد و جهت‌گیری طراحی آن را به سوی ذات الهی و حقیقت وجود هدایت می‌کند. از همین رو، باغ ایرانی در ذات خود نه تنها مجموعه‌ای از فضاهای زیبا و کارآمد، بلکه تجسمی از اندیشه‌ی الهی و حضور معنا در ماده است.

* نویسنده مسئول:

مهسا حقانی

Mhaghani@tvu.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

انتشار مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

باغ ایرانی، حکمت متعالیه، اصالت وجود، وحدت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری.



پدیدآورندگان

<https://jaer.znu.ac.ir/>

شماره چاپ: ۶۳-۲۵۸

شماره الکترونیکی: ۲۶۷۸-۳۹۸۱



دانشگاه زنجان

مقدمه

روح آدمی، حاصل جسم اوست و در مراحل اولیه‌ی رشدش، به طبیعت همچون یک مادر نیازمند می‌باشد. این طبیعت، چه در دوران پیش از اسلام و چه پس از آن، همیشه به عنوان نمادی از بهشت مورد تکریم قرار گرفته است (نقره کار ۱۳۸۷، ۵۵). بر اساس دیدگاه ملاصدرا، طبیعت همچون رحمی است که روح در آن شکل می‌گیرد؛ بنابراین، تکامل روح بدون نزدیکی به طبیعت حاصل نمی‌شود. این مسئله لزوم عدم فراموشی طبیعت توسط انسان را به او یادآور می‌شود (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۵۶-۱۵۷).

دیدگاه‌های هر تمدن نسبت به طبیعت متفاوت بوده که برگرفته از حقایق ملکوتی آن تمدن می‌باشد (نسفی، ۱۳۸۴، ۶۶-۶۲). این امر در تمدن ایران و به‌طور خاص باغ ایرانی مشهود است؛ به‌طوری که "نهرهای روان"، "باغ‌هایی که چهار رودخانه از زیر آن روان است" و همه نشانه‌ها و عناصر که در آیات الهی قرآن از آن به‌عنوان نمود بهشت یاد شده‌است در باغ ایرانی گرد هم آمده‌اند؛ از همین منظر در حکمت، باغ اسلامی را مثالی از بهشت می‌دانند. این باغ‌ها محلی برای اندیشیدن در باب عوالم هستند؛ از این رو آدمی با تعقل در این نشانه‌ها می‌تواند رشد کند (وثیق و پورجعفر، ۱۳۸۷). یکی از نمودهای ارتباط انسان و طبیعت، باغ است؛ باغ‌سازی، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین هنرهای اسلامی، که طی قرن‌ها از پیش از اسلام تا پس از اسلام، همچنان زنده و رو به پیشرفت است (پروین و متدین، ۱۴۰۱)؛ همواره تجلی‌گاه هماهنگی میان طبیعت، هندسه و مفاهیم متفاوتی بوده‌است. باغ ایرانی نه تنها فضایی برای آرامش و زیبایی‌شناسی، بلکه بازتابی از نگرش‌های فلسفی و حکمی در هنر و تمدن اسلامی محسوب می‌شوند. به جهت در هم آمیختگی هنر اسلامی با حکمت (پازوکی، ۱۳۸۸، ۵۷) می‌توان عنوان کرد که اساس هنر اسلامی بر حکمت استوار است (فایزنی، ۱۳۹۱، ۳۴). لذا برای درک این هنر، فرد نه تنها در سطح متفاوتی بلکه از منظر جهان‌شناسی باید دارای حکمت لازم باشد (پازوکی، ۱۳۸۸، ۵۷). در نگاهی کلی، از دیدگاه حکمت اسلامی، هنر همچون یکی از راه‌های مؤثر در انتقال دین، به معنای تجلی امر الهی و آفرینش چیزی زیبا است که می‌تواند از طریق ادراک حسی، مخاطب اثر خود را به درک والایی از زیبایی‌های عقلی برساند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۵۲-۴۳).

درک مفهوم حقیقت خلق باغ ایرانی ما را در درک درست معیارهای هویتی این باغ‌ها یاری می‌بخشد. از آنجایی که حکمت با شناخت حقیقت نسبت دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ۴۰) پس در این مطالعه جهت خوانش باغ ایرانی و دستیابی به حقیقت خلق باغ از حکمت اسلامی و به‌طور خاص حکمت متعالیه استفاده شده‌است. انتخاب حکمت متعالیه در این مطالعه بدین جهت است که، هم آرای حکیمان ایرانی و به موازات نظریه‌های اندیشمندان معاصر غرب در تولید فضا مغفول مانده‌است (مهرافزا و همکاران، ۱۴۰۲) و هم بهترین تبیین نظریه در باب طبیعت در میان حکیمان دوران اسلامی را باید در حکمت متعالیه یافت. از سوی دیگر، علت انتخاب باغ، جهت خوانش در این مطالعه، بدین جهت است که، باغ ایرانی به‌عنوان میعادگاه زمین و آسمان، نقطه تلاقی عملکرد و پندار و در مقام برخوردگاه آدمیان و اندیشه‌هایشان، بهترین مکان جهت تجربه‌ی عرفانی و روحانی است (Samie Azar, 2007)؛ این تجربه در کنار تجربه‌ی جسمانی باغ ایرانی (Hrdg, 1997) موجب شده‌است که در باغ ایرانی نهایت مادی به بی نهایت معنوی ارتقا یابد؛ درحقیقت، باغ ایرانی تعاملی میان سطوح پدید می‌آورد که فضایی پاکیزه، سرشار از آرامش و بدون هیچ تنشی، همراه با محیطی برای تفکر عمیق ایجاد می‌کند. این ویژگی‌های آرامش، آسودگی و جایی برای کاوش، اندیشه، تأمل و خیال‌پردازی خلاقانه، از راه عدد، هندسه، رنگ و ماده (یعنی اجزای فیزیکی) به قلمرو حواس انسان راه می‌یابند. زیرا تمام این کیفیت‌ها درون فرآیند استخراج ذهنیت‌ها از عینیت‌ها جای می‌گیرند و بستری برای درک و شناخت باغ ایرانی فراهم می‌آورند. (Mir Findiriski, 2004, 10).

از آنجایی که امکان نمایش و بیان عالم غیب توسط ماده وجود ندارد، بدین جهت باید در اندیشه‌های فلاسفه این موارد را رمزگرای کرد (یاری و هورشناس، ۱۳۹۶، ۵۰). بدین ترتیب، خلأ اصلی پژوهش حاضر در نبود تبیینی نظری است که بتواند نسبت میان مبانی وجودشناسی حکمت متعالیه و ساختار فضایی و معنایی باغ ایرانی را در قالب چارچوبی تحلیلی روشن سازد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین و صورت‌بندی تحلیلی رابطه میان مبانی نظری حکمت متعالیه و اصول شکل‌دهنده باغ ایرانی است؛ به‌گونه‌ای که بتوان نشان داد باغ ایرانی نه صرفاً محصول ذوق زیباشناختی یا ضرورت‌های اقلیمی، بلکه بازتابی عینی از یک نظام فکری و وجودشناختی منسجم است. در این راستا، پژوهش می‌کوشد با استخراج مؤلفه‌های کلیدی حکمت متعالیه و انطباق تحلیلی آن‌ها با ساختار فضایی و مفهومی باغ ایرانی، چارچوبی نظری

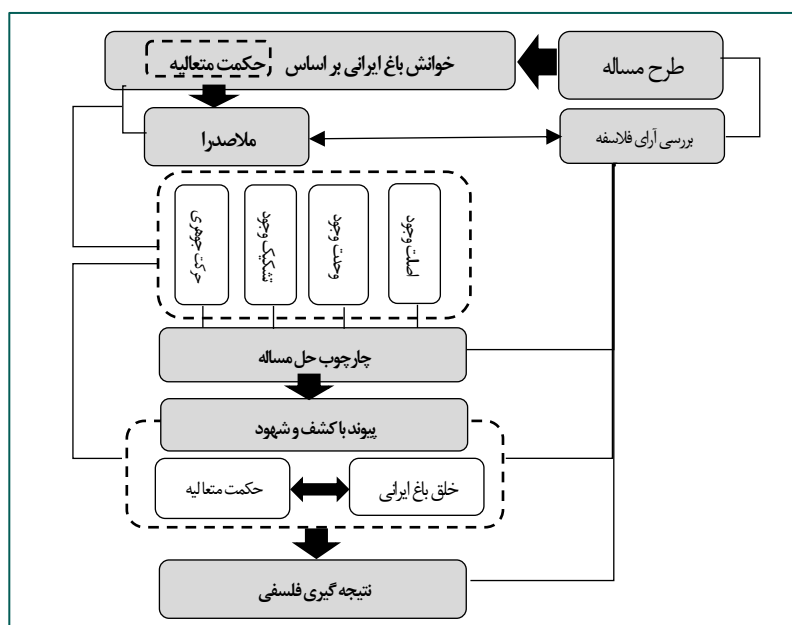
برای فهم عمیق‌تر هویت معنوی این الگوی معماری ارائه دهد و زمینه‌ای برای بازخوانی فلسفی معماری ایرانی فراهم آورد. پرسش اساسی این پژوهش آن است که: «چگونه می‌توان معماری باغ ایرانی را براساس حکمت متعالیه تبیین کرد؟» و به‌طور دقیق‌تر، هر یک از اصول چهارگانه «اصلت وجود»، «وحدت وجود»، «تشکیک وجود» و «حرکت جوهری» چه نسبتی با سازمان فضایی، سلسله‌مراتب، مرکزیت، پویایی و تجربه ادراکی در باغ ایرانی برقرار می‌کنند؟ نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند درک عمیق‌تری از معنای وجودشناختی باغ ایرانی ارائه دهد و افق‌های جدیدی را در مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه‌ی هنر اسلامی بگشاید.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف مطالعه‌ی حاضر، ارائه‌ی بازتاب روشن از آرای ملاصدرا در عرصه‌ی باغ ایرانی، یا به بیان دیگر چگونگی تفسیر آرای ملاصدرا در آفرینش باغ ایرانی است؛ پژوهش حاضر، مطالعه‌ای بنیادی-نظری با محوریت تأثیر تفکرات فلسفی بر آفرینش باغ ایرانی است، که به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از استدلال منطقی صورت پذیرفته‌است. به منظور دستیابی به این هدف مطالعه در دو مرحله انجام شد. در مرحله‌ی اول متون فلسفی به‌طور خاص حکمت متعالیه ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفتند و چهار اصل «اصلت وجود»، «وحدت وجود»، «تشکیک وجود» و «حرکت جوهری» به‌عنوان اصول خوانش باغ ایرانی دسته‌بندی شدند سپس در مرحله‌ی دوم فلسفه آفرینش باغ ایرانی در چهار اصل حکمت متعالیه در هفت باغ «پاسارگاد»، «فین»، «چهل ستون اصفهان»، «چهل ستون بهشهر»، «گلشن طیس»، «دولت آباد یزد» و «شازده ماهان» مورد بررسی قرار گرفت. علت انتخاب نمونه‌موردی، تنوع در دوره‌ی تاریخی و موقعیت جغرافیایی بوده‌است.

جدول ۱. باغ‌های مورد مطالعه، تدوین: نگارندگان

نام باغ	دوره تاریخی	موقعیت جغرافیایی
پاسارگاد	هخامنشی	شیراز- فارس
فین	صفوی	کاشان- اصفهان
چهل ستون اصفهان	صفوی	اصفهان- اصفهان
چهل ستون بهشهر	صفوی	بهشهر- مازندران
گلشن	افشاریه	طیس- خراسان جنوبی
دولت آباد یزد	بین دوره افشاریه و زندیه	یزد- یزد
شازده ماهان	قاجاریه	کرمان- کرمان



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش، تدوین: نگارندگان

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مطالعه‌ی حاضر را می‌توان در دو دسته‌ی «خوانش باغ ایرانی» و «مکتب ملاصدرا» مورد بررسی قرار داد. پروین و متدین (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای در حوزه‌ی «خوانش باغ ایرانی» تمرکز خود را بر مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری قرار دادند. این پژوهشگران بیان می‌دارند که در خوانش باغ ایرانی در شاهنامه بایسنقری جزییات جایگاهی ندارد و کلیات باغ مدنظر نگارگر است و توجه هنرمند نگارگر به جزییات و اتمسفر کلی باغ از خصوصیات خوانش باغ ایرانی با تمرکز بر مینیاتور است. در واقع اگر باغ ایرانی را گزینش طبیعت بدانیم؛ مینیاتور گزینش عناصر باغ است (پروین و متدین، ۱۴۰۱). در دیگر مطالعه، براتی و همکاران (۱۳۹۶) در راستای حفظ هویت ایرانی و قابلیت پاسخگویی به نیازها و رفتارهای عصر جدید در طراحی فضای سبز شهری معاصر، به خوانش اصول و الگوهای باغ ایرانی پرداختند. از دیدگاه این پژوهشگران الگوهای باغ ایرانی در دو دسته‌ی «الگوهای هندسی باغ» و «الگوی کاشت گیاه» خوانش می‌شوند؛ به‌طوری‌که الگوی کاشت گیاه هم از هندسه باغ ایرانی تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد (براتی و همکاران، ۱۳۹۶).

رزاقی و لفافچی (۱۴۰۳) در پژوهش خود درباره خوانش تعاملات معماری و طبیعت در باغ مزار ایرانی از منظر نشانه‌شناسی با تأکید بر اصالت معنا، معماری را نمادی از معنا و بازتاب‌دهنده‌ی افکار و ارزش‌ها دانستند. برای فهم این معانی، باید از دانش نشانه‌شناسی یاری گرفت و از آن‌جا که این دانش ریشه در فلسفه دارد، لازم است آن را با رویکردهای فلسفی تحلیل کرد تا رمزگشایی شود (رزاقی و لفافچی، ۱۴۰۳). مهرافزا و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین محاکات متأثر از آرای صدرا در آفرینش فضاهای شهری و معماری» عنوان می‌دارند که، تعمق در نحوه‌ی شکل‌گیری طرح در ذهن طراح برای ایجاد فضایی والا منطبق با سرشت آدمی، امری ضروری است تا مسیری روشن در اختیار طراحان برای خلق طرحی ارزشمند قرار گیرد (مهرافزا و همکاران، ۱۴۰۲).

در حوزه‌ی «فلسفه‌ی ملاصدرا» با تمرکز بر معماری، متولی حقیقی و همکاران (۱۴۰۲)، ارتباط میان هنر و حوزه‌ی مبانی حکمت ایرانی را حلقه‌ی گمشده‌ی معماری معاصر عنوان می‌کنند. پژوهشگران با بهره‌گیری از سه اصل «اصالت وجود»، «اصل تشکیک وجود» و «حرکت جوهری در معماری ایرانی» به این نتیجه رسیدند که معماری در بردارنده‌ی دو بعد وجود و ماهیت است. بعد ماهیت پاسخگویی نیازهای مادی و بعد وجود، حقیقت نهفته در خود آثار است که نیازهای روحی را برآورده می‌سازد. با توجه به اصل اصالت وجود ملاصدرا، می‌توان اذعان داشت که در معماری اصالت با بعد وجودی همراه خواهد بود و اصل حرکت جوهری، تعالی را از ماده تا معنا براساس معانی معنوی در قالب رموز سوق می‌دهد که این تعالی قابل تشکیک خواهد بود. لذا می‌توان با استفاده از مبانی فکری ملاصدرا، به اصولی برای رسیدن به تعالی در معماری معاصر ایرانی دست یافت (متولی حقیقی و همکاران، ۱۴۰۲).

در پژوهش «شناسایی معیارهای طراحی معماری مدرسه مبتنی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا به مثابه عامل مؤثر در شکل‌گیری هویت انسان»، پژوهشگران به جامعیت فلسفه اشاره کرده و بیان می‌دارند که فلسفه، اصول، پایه‌ها و بنیادهای موضوعات را به صورت همه‌جانبه بررسی می‌کند. به همین دلیل، با بهره‌گیری از آن می‌توان به معیارهای طراحی معماری فضای آموزشی، با توجه به نظریه‌ی حرکت جوهری ملاصدرا و آگاهی از مراحل کمال نفس انسان در مسیر رسیدن به مقام انسان کامل در بستر تعلیم و تربیت، دست یافت (معین مهر و مجیدی، ۱۴۰۱). اگرچه مطالعات پیشین خوانش‌های متعددی از باغ ایرانی را با هدف فهم حقیقت و مبانی آفرینش آن ارائه کرده‌اند، اما هنوز در ادبیات پژوهش، خلأیی جدی در تبیین تأثیر اصول و مبانی حکمت متعالیه ملاصدرا بر خلق باغ ایرانی مشاهده می‌شود. این خلأ در حالی است که حکمت متعالیه، به دلیل ارائه‌ی یکی از جامع‌ترین تبیین‌های فلسفی درباره طبیعت و نسبت آن با انسان و هستی در میان مکاتب حکمت اسلامی، می‌تواند چارچوبی نظری و منسجم برای بازخوانی مبانی معرفتی باغ ایرانی فراهم سازد. این شکاف به جهت ارتباط مستقیم درک مفهوم حقیقت خلق باغ ایرانی، با معیارهای هویتی باغ‌ها، ضروری می‌باشد. بدین جهت در مطالعه‌ی حاضر، با بررسی آرای فلسفی ملاصدرا، از طریق پیوند با کشف و شهود، ضمن یافتن نمود معماری حکمت متعالیه در باغ ایرانی، شاخص‌های یافته شده، در ۷ باغ ایرانی مورد بررسی قرار گرفت.

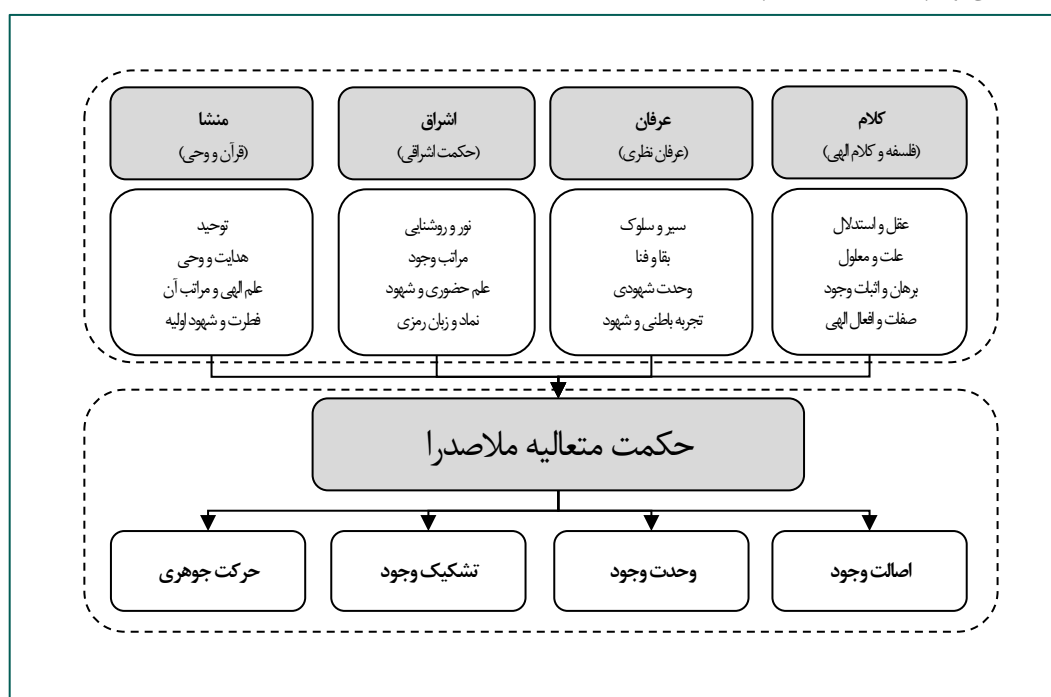
مفاهیم نظری پژوهش

معنای لغوی ریشه‌ی حکمت را بعضی بازداشتن دانسته‌اند. قرآن و عرفان و برهان، منبع و چراغ راه حکیم در حکمت متعالیه است و حکمت متعالیه، نقطه‌ی تلاقی چهار نوع جهان‌بینی یا نگرش خاص به هستی و مراتب آن است. منشاء اشراق، عرفان و کلام، ۴ نوع جهان‌بینی یا نگرش خاص به هستی و مراتب آن است. حکمت متعالیه یا مکتب ملاصدرا، نقطه‌ی تلاقی این ۴ نوع جهان‌بینی است. این حکمت با ترسیم خط مشی تعالی انسان، در جهت اقبال به حق است (حکمت، ۱۳۸۱)، زیرا این نوع جهان‌بینی با استفاده از نقاط قوت و کنار زدن نقاط ضعف و اضافه کردن اصول محکم به آن‌ها و ادله‌ی نظام و جهان‌بینی منسجم است که در مرتبه‌ی تکاملی قرار دارد (معلمی، ۱۳۸۷).

باغ ایرانی را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان الگویی کالبدی، هندسی یا پاسخی به نیازهای اقلیمی و عملکردی تبیین کرد؛ بلکه شکل‌گیری و تلاوم آن در بستر فرهنگ و اندیشه ایرانی، با لایه‌هایی از معنا، جهان‌بینی و نگرش به رابطه انسان، طبیعت و هستی همراه بوده است. از این منظر، شناخت منطق شکل‌گیری باغ ایرانی مستلزم توجه هم‌زمان به ساختار فضایی و مبانی فکری مؤثر بر آن است. در این میان، حکمت اسلامی و به‌ویژه حکمت متعالیه ملاصدرا، با تأکید بر مفاهیمی همچون اصالت وجود، وحدت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، چارچوبی نظری برای فهم نسبت میان ماده، طبیعت، انسان و مراتب هستی فراهم می‌کند.

۱. حکمت متعالیه و مبانی وجودشناسی

حکمت متعالیه یا همان مکتب ملاصدرا، بر اصل «وجود» و «تمایز آن از ماهیت» استوار است، از نظر ملاصدرا، آشکارترین موضوع عالم، مسئله «وجود یا هستی» است که تمامی پدیده‌های جهان در آن اشتراک دارند. وجود یگانه است، زیرا از هستی‌بخش یکتا — خداوند یگانه — نشأت می‌گیرد و انسان‌ها آن را با علم حضوری و شهود درونی خویش می‌یابند و نیازی به برهان برای آن نیست. اما «ماهیت» عاملی است که باعث تنوع و کثرت پدیده‌ها می‌شود و به هر وجودی، شکلی خاص می‌دهد. بر این اساس، اصل بر وجود اشیاء است و ماهیت، تابع و ناشی از وجود به شمار می‌رود. (صحاف، ۱۳۹۰: ۴۲).



نمودار ۲. مدل ۴ جهان‌بینی و تلاقی با حکمت متعالیه ملاصدرا. تدوین: نگارندگان.

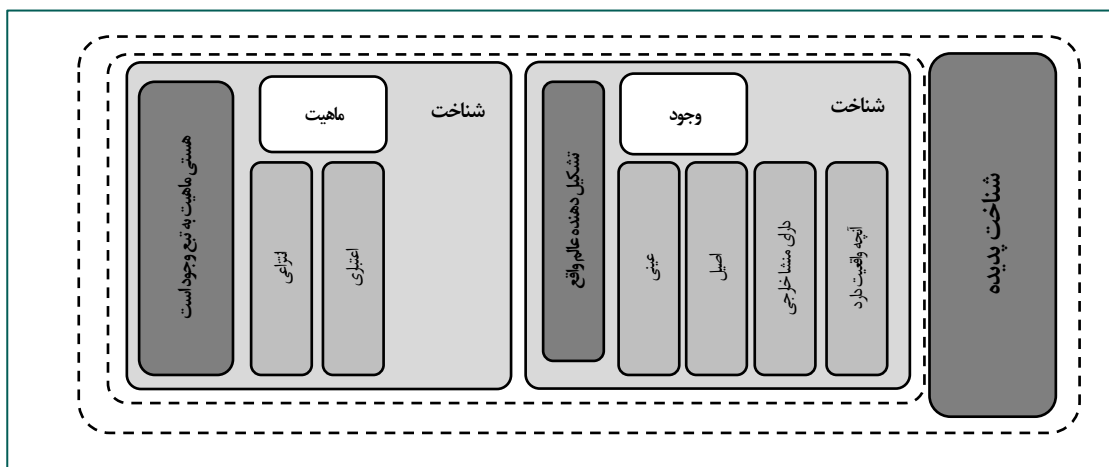
در وجودشناسی حکمت متعالیه ۴ اصل، «اصالت وجود»، «وحدت وجود»، «تشکیک وجود» و «حرکت جوهری» وجود دارد. در این مطالعه به منظور تطبیق اندیشه‌ی حکمت متعالیه و تأثیر آن در خلق باغ ایرانی چهار اصل ذکر شده مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس نمود این چهار اصل در معماری باغ ایرانی تبیین می‌گردد.

مبانی فلسفی ملاصدرا	
اصالت وجود	«وجود» حقیقت اصل و عینی است و ماهیت اعتباری است.
وحدت وجود	حقیقت وجود یکی است و همه کثرات مظاهر آن‌اند.
تشکیک وجود	وجود دارای مراتب شدت و ضعف است؛ همه موجودات در اصل وجود مشترکند ولی در کمال و شدت تفاوت دارند.
حرکت جوهری	جوهر عالم مادی در تغییر و تکامل پیوسته است.

نمودار ۳. مبانی فلسفی ملاصدرا؛ تدوین: نگارندگان

۱.۱. اصالت وجود

شناخت هر پدیده از تحلیل دو بعد «شناخت ماهیت» و «شناخت وجود» نشأت می‌گیرد (متولی حقیقی و همکاران، ۱۴۰۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳۱۸)؛ در این میان، از دیدگاه ملاصدرا، «اصالت وجود» از مهم‌ترین مبانی مکتب متعالیه است؛ که امری عینی و منشأ آثار خارجی است؛ این در حالی است که ماهیات امور، انتزاعی و اعتباری‌اند (Kashfi, 2012, 47) و بالعرض و بالتبع وجود تحقق دارد (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ۷۳). بر این مبنا، هر چیزی در صورتی که وجود بر آن حمل گردد، واقعیت پیدامی‌کند (مصلح، ۱۳۵۳، ۱۴۲). یکی از برهان‌های کلیدی ملاصدرا برای اثبات اصالت وجود، چنین بیان می‌شود که هر چیزی تنها به واسطه‌ی وجود تحقق می‌یابد، اما وجود خود جز به خودش محقق نمی‌شود؛ یعنی وجود بالذات موجود است و به هیچ عاملی برای تحقق نیاز ندارد. اگر وجود برای تحقق خود به چیزی غیر از خویش وابسته باشد، دور لازم می‌آید، زیرا تحقق حقیقت وجود باید پیش از ماهیت رخ دهد، در حالی که ماهیت تنها در سایه‌ی وجود شکل می‌گیرد. بنابراین، اصالت همه‌ی ماهیات وابسته به وجود است و اصالت وجود، ذاتی و بی‌نیاز از هر عامل دیگری است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۸/۱). بر پایه‌ی اصالت وجود، مراتب وجودهای ممکن، که همان حقایق ممکنات هستند، چیزی جز پرتوهای نور حقیقی و وجود واجب نیستند و اموری وابسته و از شئون ذات یگانه به شمار می‌روند و تصویری از حقیقت واحد می‌باشند. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۱).



نمودار ۴. فرآیند شناخت پدیده؛ تدوین: نگارندگان

۱.۱.۱. باغ ایرانی و اصالت وجود

بر اساس دیدگاه ملاصدرا معماری شامل دو بعد وجود و ماهیت می‌شود؛ بعد ماهیت به نیازهای جسمانی پاسخ می‌دهد و بعد وجود، حقیقتی است که در آثار معماری پنهان است و نیازهای روحی را برآورده می‌کند. ماهیت اثر معماری در نگاه ملاصدرا دارای وجود است و شناسایی آن تنها از طریق وجود امکان‌پذیر می‌گردد. معماری از یک سو با ماهیات هم‌سطح خود هم‌رتبه است و مظهر زمینی-اسمایی دارد و از سوی دیگر به دلیل پیوند وجودی با انسان معمار و بر پایه‌ی برهان وحدت وجود، ویژگی‌هایی فراتر از جهان مادی داراست (متولی حقیقی و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۲).

یکی از پیامدهای اصل متافیزیکی توحید، «ارجمندی معنوی فضای خالی» است (نصر، ۱۳۷۵، ۷۹). که نمود آن را در باغ ایرانی می‌توان در قالب حیاطی که جوی‌های روان و درختان بلند در آن وجود دارد مشاهده کرد. در معماری ایرانی-اسلامی، فضا پایه و اصل بوده و همواره نقشی تأثیرگذار ایفا نموده‌است، به این ترتیب که فضا، شکل و فرم را هدایت می‌نماید (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۴۵) و با عدم حضور جسمانیت درک می‌گردد (نصر، ۱۳۷۵، ۲۰۰). چون حضور الهی نمی‌تواند به شکل مادی درآید، فضای خالی از اهمیت معنوی بیشتری برخوردار می‌شود و تهی بودن، هم‌معنی با امر مقدس دانسته می‌گردد (همان، ۱۸۱). به طور کلی، برای گذار از ویژگی‌های مادی به ویژگی‌های روحانی در معماری، باید ماده را کاهش داد و به فضا افزود (معماریان، ۱۳۸۷، ۳۵۲). بر همین مبنا است که فضا در معماری ایرانی اسلامی همچون وجود در حکمت متعالیه اصل می‌باشد و حضور کالبد معماری که مکان را تعریف می‌کند وابسته به وجود فضا بوده‌است و از طریق حضور فضا، کالبد معنی پیدا می‌کند. حال سؤال اینجاست که اصل اصالت وجود، در طراحی باغ ایرانی چگونه نمود پیدا می‌کند.

در تحلیل باغ ایرانی براساس حکمت متعالیه، اگر کوشک را فضای «پر» در نظر بگیریم، حیاط، «فضای خالی» است و این فضا به عنوان تجلی‌گاه اصل «توحید» نقش محوری ایفا می‌کند. تضاد میان فضای پر (کوشک) و فضای خالی (حیاط) نشانی از اصل تباین در اصول پنجگانه فضا سازی توحیدی است. فضای تهی، با سازماندهی دقیق عناصر پیرامونی خود، نظامی از مراتب وجود را به نمایش می‌گذارد که از کالبد مادی آغاز و به ملکوت معنوی ختم می‌شود. وجود توأمان فضاها را پر و خالی در باغ ایرانی، تجسم عینی اصل «تنزیه و تشبیه» در حکمت اسلامی است. بنابراین، فضای قدسی ملاصدرا، حتی در مرتبه‌ای پیشین‌تر از تحقق مکانی اصل «تنزیه و تشبیه» قرار می‌گیرد؛ چون توانسته است فضا و به عبارتی، فضای قدسی را پیش از حادث شدن هرگونه مکان، معنادار کند. به عبارتی، فضای عدم، که قدسی می‌باشد، خود هم تشبیه را دارد و هم تنزیه و توأمان با کالبد شکل گرفته، غوطه‌ور است. جایی که خالی‌ها نه تنها عدم نیستند، بلکه مجال ظهور اسماء الهی محسوب می‌شوند. با تکیه بر اصل «تنزیه و تشبیه»، سازمان فضایی باغ ایرانی را می‌توان تجسم هم‌زمان دو ساحت مکمل دانست؛ از یک سو، عناصر طبیعی و کالبدی باغ، جلوه‌ای از حضور و ظهور صفات الهی در جهان مادی (تشبیه) را به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر، نظم سلسله‌مراتبی، محوریت و حرکت تدریجی به سوی مرکز، ذهن مخاطب را به حقیقتی فراتر از کالبد و محسوسات رهنمون می‌سازد (تنزیه). بدین ترتیب، اجزای باغ نه به عنوان عناصر مستقل، بلکه به مثابه نشانه‌هایی از یک کل متعالی معنا می‌یابند و تجربه فضایی باغ، فرآیندی از ادراک حضور امر قدسی در قالب جلوه‌های محسوس را شکل می‌دهد. عنصر حوض، نماد وحدت وجود است که با توجه به مکان قرارگیری آن در باغ‌ها می‌توان از آن به عنوان مرکزیت معنوی باغ نام برد. اگر بخواهیم عناصر طبیعی موجود در فضای خالی باغ ایرانی را از نظر حکمت متعالیه مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان جوی آب را که در فضای خالی باغ‌های ایرانی جریان دارد، همچون «فیض اقدس» نامید که مرز میان وجود و ماهیت را محو می‌کنند. همین آب وقتی در حوض قرار می‌گیرد، می‌توان آن را واسطه‌ی میان عالم مثال و ماده نامید. درختان بلند، همچون سرو با ایجاد ریتمی از پر و خالی، سایه‌های متحرکی را در باغ ایرانی می‌آفرینند که نماد "وجود سیال" در حکمت صدرایی است. در یک جمع‌بندی می‌توان عنوان کرد که، طبق اصل اصالت وجود، خلق باغ ایرانی بر «بودن» و «حیات» کلی آن استوار است، به گونه‌ای که همه اجزای آن نه مستقل، بلکه به عنوان مراتب و جلوه‌های یک حقیقت واحد طراحی می‌شوند. این نگاه باعث شده باغ ایرانی همیشه فراتر از یک ترکیب فیزیکی صرف، یک تجربه زیسته و معنوی باشد و فضای خالی باغ ایرانی، "وجود" است؛ ظرفی که مظهر و فاش نور الهی است و غیبی که شهود را ممکن می‌سازد. در جدول ۲ به بررسی نمود «اصالت وجود» در خلق باغ‌های ایرانی پرداخته شده‌است.

جدول ۲. نمود «اصالت وجود» در خلق باغ‌های ایرانی. تدوین: نگارندگان

شاخص اصالت وجود	نمود در خلق باغ ایرانی
اصول طراحی	وجود حقیقت اصیل است و ماهیت صرفاً اعتبار ذهنی دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۷). طراحی باغ ایرانی از کل به جزء می‌باشد، به‌طوری که طراح باغ ابتدا کلیت «بودن» باغ را به‌عنوان موجود زنده و پویا در نظر می‌گیرد و نه صرف اجزای آن.
نسبت جزء به کل	اجزاء هویت خود را از کل (وجود) می‌گیرند، عکس این مطلب صدق نمی‌کند (نصر، ۱۳۹۴، ۷۹). معنای عناصر طبیعی و مصنوعی باغ، همچون درخت، کوشک، حوض و... نسبت به کل باغ درک می‌گردد.
فضا به‌عنوان حقیقت وجود	تجلی وجود در عالم ماده به صورت فضا و زمان می‌باشد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱، ۴۵). سازمان‌دهی فضایی در باغ ایرانی، همچون چهارباغ، محور اصلی و... از فرم‌های مادی از اهمیت بیشتری برخوردار است.
تقدم معنا و مفهوم بر ظاهر	در اصالت وجود، معنا و حقیقت، مقدم بر صورت و ماهیت‌اند (پیرنیا، ۱۳۹۴، ۳۲). مبنای اولیه طراحی باغ، مفهوم معنوی آن، همچون بهشت می‌باشد.
پیوستگی با طبیعت	وجود واحد در مراتب گوناگون خود ظاهر می‌شود (نصر، ۱۳۹۴، ۱۸۱). باغ، امتداد طبیعت است که در قالبی هنری و معنوی شکل گرفته‌است، نه انقطاع از آن.

۱.۲. وحدت وجود

مبحث وحدت وجود با تقریر وحدت شخصی، ازجمله مباحثی می‌باشد که باوجود برخورداری از ریشه‌ی عرفانی، در حکمت متعالیه با رویکرد جدیدی بیان شده‌است (آشتیانی، ۱۳۸۷، ۴). ملاصدرا با تأکید بر اصالت وجود، وحدت را مساوی باوجود می‌داند و شدت و ضعف وجودی را مساوی با نقص و کمال وحدت دانسته‌است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۲). وجود حقیقی، یگانه است و در همه‌ی اشخاص و ویژگی‌هایشان جاری می‌شود؛ به سخن دیگر، حقیقت وجود با همه‌ی سادگی‌اش در میان همه‌ی افراد مشترک است و در تمام حقایق، حضور و گستردگی دارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶، ۷/۱). گوهر و ماهیت حقیقی دین اسلام، اصل وحدانیت و یکتایی توحید و خداوند است. اصل وحدانیت، بر تمامی جزئیات دین اسلام حاکمیت دارد و به نوعی روح و حقیقت اسلام است (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۳۹). کعبه به عنوان کانون عبادی مسلمانان، اسلام را دینی مبتنی بر مرکزیت نشان می‌دهد. گویی خداوند در مرکز درک‌ناشدنی عالم قرار گرفته‌است (بورکهارت، ۱۳۷۶، ۳۸).

۱.۲.۱. باغ ایرانی و وحدت وجود

بعضی مفاهیم در فرآیند آفرینش جهان و پدیده‌های هستی همیشه حاضر بوده‌اند. این مفاهیم عمیق را می‌توان به عنوان مبانی و اصولی ازلی و ابدی به شمار آورد که چون از نظام جاولان سنت‌های الهی نشأت گرفته‌اند، در چارچوب زمان و مکان محصور نمی‌مانند. معماری ایرانی اسلامی نیز با استناد به قوانین نظام وجود و با بازتاب الگوهای کلی آن در کالبد و روح خود، به خلق مکان پرداخته است. یکی از بارزترین این اصول در معماری اسلامی، بدون توجه به زمان و مکان، آشکار شدن مفهوم «مرکز» در معنا و شکل آن است. هر آفریدم‌ای دارای مرکزی است که حیات مادی و معنوی‌اش حول آن شکل می‌گیرد؛ این مفهوم آن‌قدر در معماری ایرانی-اسلامی نمود یافته که هدف اصلی این معماری را نشان دادن مرکز چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم دانسته‌اند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۲).

این مرکزیت از نظر شایگان (۱۳۸۰)، مانند‌لا، جایگاه فرمانروایی و نشستن نیروی الهی در درون انسان است (شایگان، ۱۳۸۰، ۱۳۴). این باور به مرکزگرایی در ایران باستان نیز وجود داشته که اهورامزدا، نخستین انسان، کیومرث را در مرکز جهان (ایرانویچ) آفریده است (کریستین سن، ۱۳۷۷). به همین دلیل است که مرکزگرایی در معماری از دوران گذشته توجه بسیاری از معماران مسلمان را به خود جلب نموده است.

تجلی و تأثیر مرکزگرایی در هنرهای سستی به اشکال گوناگونی است. گاه به طور آشکار نمایان می‌شود و دیده می‌شود و گاه در لایه‌های پنهان و نامرئی قرار دارد. در هنر خوشنویسی، به ویژه کتابت قرآن، و همچنین در معماری مساجد، این مرکزگرایی بیشتر به چشم می‌آید. برجسته‌ترین نمونه‌ی بروز مرکزگرایی را می‌توان در آیین و مناسک طواف خانه‌ی خدا، یعنی کعبه، مشاهده کرد. کعبه نقطه‌ای مرکزی است که هم جسم مؤمن و هم دل او باید رو به آن باشد. از دیدگاه بورکهارت کعبه هم مرکز است و هم اصل؛ این دو، دو جنبه‌ی یک حقیقت معنوی یگانه‌اند یا به بیان دیگر، دو انتخاب بنیادین هر راه معنوی به شمار می‌روند (شاهچراغی، ۱۳۸۸).

باغ ایرانی، همچون دیگر آثار هنری ایران، در چارچوب سنت و اصول، دارای زیبایی‌ها و لطایف ویژه‌ای است و بر قلّه‌ی کمال «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت» قرار گرفته است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶). برای مطابقت مفهوم مرکز در باغ ابتدا باید به نیروها و بردارهایی که مراکز در فضا به وجود می‌آورند و آن را قطبی می‌کنند توجه کرد. نیروی مرکز، نوعی جاذبه‌ی فطری است، که سبب ایجاد احساس قربت میان مرکز و مخاطب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که باغ، نمادی از ساختار مرکز‌گرای عالم صغیر یا باطن انسان است و فضا به عنوان مکان ساختمان و درخت، در قالب محاط قرار می‌گیرد. قرار دادن حوض در این فضای آرام، مرکزی مثبت برای خیال‌پردازی خلاقانه ایجاد می‌کند. به این ترتیب، آفرینش عرضی انسان به بعد طولی آن متصل می‌شود و بازآفرینی بهشت کامل می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱). در اینجا نیز، چون حوض‌ها اغلب در یکی از محورهای اصلی ساخته می‌شوند، در مرکز و قلب باغ قرار دارند و قطبی هستند که فضای پیرامون را تحت تأثیر خود درمی‌آورند. حوض، نماد وحدت و مرکزیت در باغ ایرانی است (طباطبایی، ۱۳۷۰).

جدول ۳. نمود «وحدت وجود» در خلق باغ‌های ایرانی. تدوین: نگارندگان

شاخص وحدت وجود	نمود در خلق باغ ایرانی
وحدت وجود حقیقی به عنوان یک حقیقت واحد در همه اشیاء جریان دارد و مراتب آن از شدت و ضعف متمایز می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ۴۵/۲)	عناصر باغ ایرانی مانند درختان و جوی‌های آب به عنوان جلوه‌های متحد یک وجود واحد طراحی شده‌اند که از مرتبه مادی (خاک و ریشه‌ها) به مرتبه معنوی (سایه و انعکاس) صعود می‌کنند و هماهنگی کلی باغ را از طریق پیوند طبیعی-معماری تضمین می‌نمایند.
مفهوم مرکزیت مرکز، نماد وحدت و توحید است که حیات معنوی پیرامون آن شکل می‌گیرد (پورکهرت، ۱۳۷۶، ۲۸)	حوض مرکزی در باغ ایرانی، به‌عنوان قلب فضا، عناصر دیگر مانند مسیرهای چهارباغ و کوشک را حول محور خود متحد می‌کند. این مرکزیت، مانند کعبه، فضا را قطبی کرده و جاذبه‌ای معنوی ایجاد می‌کند که بازدیدکننده را به سوی درک وحدت الهی هدایت می‌نماید.
وحدت در کثرت حقیقت وجود واحد است، اما در کثرت مراتب و اشکال ظاهر می‌شود (ملاصدرا، ۲۰۱۹۸۱)	تعدد عناصر باغ (مانند گونه‌های مختلف درختان، گل‌ها، و جوی‌های متعدد) در یک ساختار هندسی منظم (مانند الگوی چهارباغ) به وحدت می‌رسد. این تنوع ظاهری، در خدمت یک مفهوم واحد (تمثیل بهشت) قرار گرفته و هماهنگی بصری و معنوی را در کل باغ به نمایش می‌گذارد.
پیوند با توحید الهی وحدت وجود روح اسلام و اصل توحید است که بر همه جزئیات حاکم است (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۳۹)	باغ ایرانی با بازنمایی بهشت قرآنی، از طریق عناصری مانند حیاط مرکزی و ایوان‌های مقارن، اصل توحید را متجلی می‌سازد. هر جزء باغ، از جوی آب تا کوشک، در خدمت یک مفهوم قدسی واحد بوده و فضایی برای تجربه حضور الهی ایجاد می‌کند.
نماد معنوی وحدت وجود از طریق سیر کمالی و اتحاد با الوهیت حاصل می‌شود (نصر، ۱۳۷۵، ۱۸)	حرکت از ورودی باغ (مرتبه مادی) به سمت کوشک یا حوض مرکزی (مرتبه معنوی) نمادی از سیر عرفانی انسان از کثرت ظاهری به وحدت باطنی است. این مسیر با عناصری مانند جوی‌های آب و ریتم درختان، تجربه‌ای تدریجی از تعالی معنوی را برای بازدیدکننده فراهم می‌آورد.

۱.۳. تشکیک وجود

ملاصدرا پس از اثبات اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت، «تشکیک در وجود» را به اثبات می‌رساند و بر پایه‌ی آن، وحدتی برای جهان هستی و حقیقت وجود برقرار می‌کند که در آن، حقیقت وجود (نه مفهوم آن) با وجود داشتن سنجی یگانه، دارای درجات و مراتب گوناگون است. این بحث که «وحدت تشکیکی وجود» نامیده می‌شود، یکی از نتایج اصالت وجود به شمار می‌آید و وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را به اثبات می‌رساند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۱). به سخن دیگر، از دیدگاه ملاصدرا موجودات در اصل وجود و هستی با یکدیگر اشتراک دارند و وحدتی بنیادین می‌یابند؛ تفاوت و تمایز میان‌شان نیز در درجه‌ی بهرهوری از وجود نهفته است. بنابراین، با وجود کثرت، یگانه‌اند و با وجود یگانگی، کثیرند. به بیان دیگر، وجود حقیقی یگانه است که دارای مراتب گوناگونی از نقص تا کمال و از شدت تا ضعف می‌باشد (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۸۶). این تفاوت در مراتب وجود از نظر شدت و ضعف، عامل تمایز تعاریف و مرزهای اشیاء و ماهیات از هم می‌گردد و کثرت به معنای فلسفی‌اش را پدید می‌آورد؛ این مسئله، اصل تشکیک و درجات وجود را توضیح می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳). بر پایه‌ی اصل تشکیک وجود، در خارج از ذهن چیزی جز وجود؛ وجود ندارد و هر آنچه در جهان هستی است، حتی ماهیات متنوع، مشمول حکم تشکیک می‌شود و تنها از این طریق، تمایز و کثرت

پیدا می کنند. (عبودیت، ۱۳۸۵، ۱). از نتایج مهم تشکیک وجود «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت» است (محمودیان، ۱۳۸۸، ۳۸). مورد بعدی که در تشکیک وجود مطرح می گردد، بحث سلسله مراتب است. سلسله مراتب دارای تشکیک در حکمت ملاصدرا، سلسله ای طولی است؛ در این سلسله، وجود مراتب کامل تر و قوی تر در بالای زنجیره است و هر چه به پایین نظر می کنیم ضمن آن که وجود مراتب ناقص تر و ضعیف تر است، تکثر و تضاد در آن ها بیشتر است (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ۶۹).

۱.۳.۱. باغ ایرانی و تشکیک وجود

در حوزه نظریه پردازی معماری آموزه تشکیک وجود جدی ترین برهان در تطابق شکل و معنا را به دست می دهد و تنها طریق در اثبات صحت صور رمزی معماری است (تاجر، ۱۳۸۹). وحدت در کثرت، نماد و بیان گر اصل تشکیک وجود در حکمت متعالیه است؛ که بیانگر وجود تشکیک و به وحدت رسیدن برای دسترسی به ذات الوجود است. این اصل در معماری ایرانی-اسلامی نیز وجود داشته و همواره مورد تأکید بوده است و اشاره به یگانگی وجود خلوند دارد. این وحدت، همراه با کثرتی است که در اجزا و عناصر معماری به چشم می خورد. بر پایه حکمت اسلامی، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت به این معناست که وجود منحصرأ به خلوند تعلق دارد و او از نهایت گستردگی و احاطه، همه ی اشیاء دیگر را نیز دربرمی گیرد. (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۲۱). مفهوم وحدت در کثرت در معماری علاوه بر کالبد و مفهوم در تزئینات همچون مقرنس، نیز نمود پیدا کرده است. مقرنس با وجود اجزاء متکثری که در مرکز آن است به وحدت می رسند، همچنین گنبد که خود از پایه ای متکثر به وحدتی در اوج می رسد نیز بیانگر تأثیر این اصل در معماری می باشد.

جدول ۴. نمود «تشکیک وجود» در خلق باغ های ایرانی. تدوین: نگارندگان

شاخص تشکیک وجود	نمود در خلق باغ ایرانی
ماهیت	وجود حقیقت واحدی است که دارای مراتب شدت و ضعف است؛ همه موجودات در اصل وجود مشترکند ولی در کمال متفاوتند (صدرالدین شیرازی، ۱۰۵۰ ق ۴۵)
سلسله مراتب فضایی	مراتب وجود در فضا به صورت ترتیب و درجه بندی ظهور می کند (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱، ۴۵).
کیفیت ادراکی	شدت و ضعف وجود از طریق حواس و ادراکات انسانی قابل دریافت است (نصر، ۱۳۹۴، ۱۲۰)
ارتباط جزء و کل	هر مرتبه وجودی جزئی از کل واحد است و بدون کل معنا ندارد (پیرنیا، ۱۳۹۴، ۳۲).
تمایز مراتب وجود	تفاوت موجودات در درجات شدت و ضعف وجود تمایز و تکرار آن ها را ایجاد می کند (خامنه ای، ۱۳۸۳، ۵۵).

۱.۴. حرکت جوهری

بحث حرکت و تحول از موضوعات قدیمی فلسفه به شمار می رود و ریشه ی آن به آغاز گفت وگوهای فلسفی در یونان باستان بازمی گردد. فیلسوفان حرکت را بیرون آمدن از قوه به فعل می دانند و از نگاه فلسفی، «حرکت» به معنای جابه جایی مکانی، حقیقتی است که دارای درجات شدت و ضعف می باشد (شجاری، ۱۳۹۴)؛ یعنی هر حرکتی به معنای تکامل است، زیرا گذار از قوه به فعل برابر با حرکت از نقص به سوی کمال است (طباطبایی، ۱۳۷۰). حرکت پیوندی عمیق با فلسفه ی صدرایی دارد، زیرا در اندیشه ی او، انسان بر خلاف دیگر ممکنات که ماهیت و مرتبه ی وجودی مشخصی دارند، موجودی نیست که هویت ثابت و جایگاه وجودی معینی داشته باشد؛ بلکه در آغوش طبیعت و به اقتضای

حرکت جوهری و یگانگی با بدن، همواره در حال تحول است و از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر منتقل می‌شود. از این رو، مراتب وجودی گوناگونی دارد و در هر لحظه به چیزی نو تبدیل می‌گردد و از هر مرتبه‌اش ماهیتی خاص برگرفته می‌شود. (اخلاقی، ۱۳۸۸). حرکت در دیدگاه ملاصدرا عبارت از آن است که (شیء) پیوسته حدود بالقوه‌ای را طی می‌کند و حدوث تدریجی یا حصول و خروج تدریجی و غیرآنی (شیء) از قوه به فعل است (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۶، ۹۳). بنابراین می‌توان اظهار داشت که حرکت هر چیزی، کمال آن است، اما نه کمال نهایی، بلکه نسبت به وضعیت پیشین بالفعل‌تر و نسبت به وضعیت بعدی بالقوه‌تر می‌باشد (شجاری، ۱۳۸۸). حرکتی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، حرکت جوهری است که ملاصدرا به آن باور دارد و بنیان‌گذار آن به شمار می‌رود (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ۲۸۹). حرکت اصولاً از مفاهیم ماهوی نیست تا با جنس‌های عالی و فصول مرتبط تعریف و شناخته شود؛ از این رو، تعریف آن با واژگانی که مفهومی را نشان می‌دهند، انجام می‌گیرد. مفهوم حرکت جوهری به این معناست که تحول و دگرگونی، تمامی ساختار وجود مادی شیء را فرا می‌گیرد. جنبش و تغییر نه فقط در اعراض، بلکه صورت جسمانی و صورت نوعی را نیز دربرمی‌گیرد، زیرا عرض تابع جوهر است و بدون تحول در جوهر، تغییر در عرض ممکن نیست (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۳۳۴). در یک جمع‌بندی، حرکت از دیدگاه ملاصدرا دارای مراتب تکاملی است، بنا بر اصل قوه و فعل عالم علم دائماً در حال حرکت است، حرکت هم در ظاهر و هم در باطن موجودات صورت می‌گیرد و کمال انسان در جهت حرکت و سلوک به سوی مبادی عالی وجود است (متولی حقیقی و همکاران، ۱۴۰۳، ۵۰).

۱.۴.۱. باغ ایرانی و حرکت جوهری

بر پایه‌ی رویکرد صدرایی، وظیفه‌ی اصلی معماران، ایجاد فضاهای زیستی است که زمینه‌ی حضور انسان را مهیا کند و امکانات لازم برای شکل‌گیری هویت او را فراهم آورد (سلیمانی‌شیرجانی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، یکی از اهداف آفرینش فضای معماری، ارتقای مرتبه‌ی وجودی انسان است و ملاصدرا نیز بر این باور است که تعالی وجودی انسان در دستیابی به اهداف والا نقش دارد. بنابراین، بر اساس روش حکمت متعالیه، معماری به عنوان جایی برای حضور انسان باید این هدف را در اولویت قرار دهد تا انسان را در تقویت جایگاه وجودی‌اش یاری کند و توجه را به سوی وجود مطلق و ملکوتی معطوف سازد. به بیان دیگر، کمال نهایی حرکت مداوم به سوی بی‌کران است که مفاهیمی چون خودشناسی و خداشناسی آن را نشان می‌دهند (شجاری و همکاران، ۱۳۹۶). نمود این اصل در باغ ایرانی، سلسله مراتب و تلاوم فضایی است. از آن جایی که ورود و تشریف به فضای اصلی به صورت مستقیم رخ نمی‌دهد، به بیان دیگر، می‌توان فضای معماری ایرانی را فضایی مواج پنداشت. موج دارای جریان است و به صورت منحنی از موانع عبور می‌کند. این فضا نتیجه‌ی دیدگاهی است که تلاوم فضایی را مثبت می‌بیند. نادر اردلان بر این باور است که معماران ایرانی کوشیده‌اند انسان را از میان فضایی بدون مانع بگذرانند، نه از دل توده‌های جامد، و بر این پایه هیچ گسست یا سدی در مسیر حرکت انسان ایجاد نمی‌کردند. انسان پیوسته در فضایی مواج و گسترده که همواره یگانه است، گام برمی‌دارد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۱۷). این سیر حرکتی با ایجاد سلسله مراتب فضایی آمادگی جهت حضور در فضای اصلی را ایجاد می‌نماید و به نوعی مفهومی است که در معماری ایرانی-اسلامی بسیار رعایت گشته است (زمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ۹۶).

جدول ۵. نمود «حرکت وجودی» در خلق باغ‌های ایرانی. مأخذ: نگارندگان

شاخص حرکت جوهری	نمود در خلق باغ ایرانی
ماهیت جوهر موجودات مادی پیوسته در حال تغییر، تکامل و صیوریت است؛ حرکت نه فقط در اعراض بلکه در خود ذات جاری است (صدرالدین شیرازی، ۱۰۵۰ ق ۷۵)	باغ به عنوان یک موجود زنده، در بستر زمان پیوسته در حال رشد و دگرگونی است.
نماد تکامل حرکت جوهری نشانگر سیر کمالی نفس از مرتبه مادی به مرتبه مجرد است (همان)	سیر کولاسیون حرکتی افراد در باغ نمادی از سیر معنوی است. حرکت از ورودی که عمدتاً در پایین‌ترین سطح باغ قرار دارد به کوشک که در مرتبه‌ی بالاتر است.
نمود در طبیعت حرکت جوهری در عالم طبیعی به صورت رشد، زوال، دگرگونی فصلی و ... بروز می‌نماید (نصر، ۱۳۹۴، ۱۸۱). این شاخص‌ها را می‌توان ویژگی پویایی در منظر نامید	تغییر رنگ برگ درختان در فصول مختلف، رشد گیاهان، ریختن برگ‌های درختان برگ ریز در فصول پاییز و زمستان.
پیوند با زمان حرکت جوهری پیوندی جدایی‌ناپذیر با زمان دارد (همان). زمان شامل ساعات مختلف در یک روز و یا فصول مختلف می‌باشد	به جهت پویایی باغ ایرانی، تجربه‌ی حضور در باغ در ساعات و فصول مختلف متفاوت است ولی در عین این تفاوت، همچنان وحدت کلی فضا حفظ می‌شود.

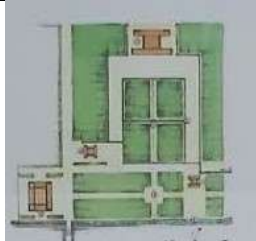
تفسیر، تبیین و بحث

بر پایه‌ی دیدگاه حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا، هستی در پیوستگی و تشکیک مراتب خود معنا می‌یابد و هر مرتبه‌ای از وجود، متجلی حقیقت واحد الهی است. در این میان، باغ ایرانی به عنوان «متن فضایی» مورد تحلیل و بازخوانی قرار گرفت تا نسبت میان ساختار وجودی فضا و مفاهیم حکمت متعالیه همچون اصالت وجود، وحدت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری بررسی شود. هدف از این پژوهش، دستیابی به خوانشی فلسفی از باغ ایرانی است تا فراتر از تحلیل‌های زیبایی‌شناسانه به جنبه‌های هستی‌شناختی آن توجه شود.

جدول نمود «حرکت وجودی» در خلق باغ‌های ایرانی. تدوین: نگارندگان

باغ	نمود اصالت وجود	نمود وحدت وجود	نمود تشکیک وجود	نمود حرکت جوهری
آب و گیاهان نه تنها به عنوان عناصر مادی، بلکه به عنوان نماد وجود الهی و حیات‌بخش ظاهر می‌شوند که نشان‌دهنده ولولیت وجود بر ماهیت است. این جنبه در کنال‌های آبی که حیات را به باغ می‌بخشند برجسته است.	محوریت باغ به عنوان نماد توحید عمل می‌کند، جایی که همه عناصر به یک حقیقت واحد ارجاع می‌شوند.	تقسیم چهارگانه باغ مراتب وجودی را از سطح مادی زمین و آب تا معنوی کاخ مرکزی تبیین می‌کند، که کثرت عناصر به وحدت می‌رسد.	جریان آب در کنال‌های طولی و عرضی نماد تحول ملوم هستی است؛ پیشرفت فضایی از دروازه به مرکز، سیر تکاملی انسان را بازتاب می‌دهد.	

باغ پاسارگاد



جریان طبیعی چشمه سلیمانیه به عنوان وجود اصیل، که حیات را به کل باغ اعطا می‌کند و عناصر مصنوعی (کوشک) کاشی‌کاری‌ها را به مظاهر وجود تبدیل می‌کند

تقارن کوشک مرکزی و حوض جوش، که همه عناصر باغ (درختان سرو، کنال‌های آب، دیوارهای تزیینی) را به یک مرکز معنوی متصل می‌کند نماد وحدت الهی است.

سلسله‌مراتب فضایی از حاشیه‌های باغ (با زمین و آب ساده) تا کوشک مرتفع مرکزی، که مراتب وجود را از مادی به روحانی نشان می‌دهد.

پویایی آب در حوض جوش و کنال‌های متصل، که با فوران و جریان ملوم، تحول ذاتی طبیعت و سیر تکاملی بازدیدکننده از حاشیه به مرکز را نشان می‌دهد.

باغ فیض کلان



در باغ چهل ستون، فضای خالی باغ به عنوان وجود اصلی، ایوان و ستون‌ها را به عنوان ماهیت وابسته معنا می‌بخشد حوض بزرگ و آب‌نماها وجود سیال را تجسم می‌بخشد و کاهش کالبد به سمت مرکز، حرکت از مادی به روحی است.

محوریت ایوان و حوض مرکزی، که عناصر باغ (درختان، آب، نقاشی‌های دیواری) را به یک مرکز معنوی - سلطنتی متصل می‌کند نماد وحدت الهی است.

سلسله‌مراتب فضایی از باغچه‌های حاشیه‌ای تا ایوان مرتفع چهل ستونی، که مراتب وجود را از مادی (زمین و آب) به روحانی (کاخ مرکزی) نشان می‌دهد.

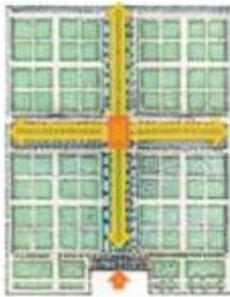
جریان آب در حوض طولی و کنال‌های متصل، همراه با سیر فضایی از ورودی به ایوان، تحول ذاتی طبیعت و سیر تکاملی بازدیدکننده را نشان می‌دهد.

چهل ستون اصفهان

			
هدایت آب از شیب زمین به جوی‌ها و فواره‌های عمارت همراه با سیر فضایی از ورودی به استخر مرکزی، تحول ذاتی طبیعت و تکامل بازدیدکننده را بازتاب می‌دهد	سلسله مراتب فضایی از کرت‌های حاشیه‌ای (زمین شیب‌دار و جوی‌های ساده) تا عمارت مرکزی مرتفع، که مراتب وجود را از مادی به روحانی تبیین می‌کند	تقاطع محورهای طولی (به سوی دریا) و عرضی با استخر مرکزی، که همه عناصر (آب، درختان کهن، عمارت) را به یک هسته واحد متصل می‌کند و نماد توحید صفوی است	شیب طبیعی زمین و جریان آب به عنوان وجود اصیل حیات بخش، که عناصر مصنوعی (عمارت دیوانخانه، جوی‌های سنگی) را به مظاهر وجود تبدیل می‌کند و مرز ماده و معنا را در خلقت باغ محو می‌نماید

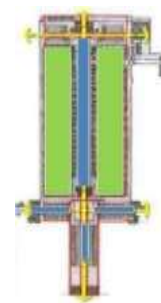
			
پویایی جوی‌های آب در نظام خوندمشابه (از ورودی کویر به حوض‌های مرکزی)، همراه با سیر فضایی از حاشیه به عمارت، تحول ذاتی طبیعت و تکامل بازدیدکننده را بازتاب می‌دهد	لایه‌بندی سه گانه فضایی (از دیوارهای حاشیه‌ای تا عمارت مرتفع مرکزی)، که مراتب وجود را از مادی (زمین کویر) به روحانی (فضای درون گرا) تبیین می‌کند	تقارن عمارت مرکزی و محورهای متقاطع، که همه عناصر (درختان سایه‌گستر، جوی‌ها، دیوارهای مشبک) را به یک هسته واحد متصل می‌کند و نماد توحید در کویر است	نظام آبیاری خوندمشابه با جوی‌های طبیعی به عنوان وجود اصیل، که عمارت و عناصر مصنوعی (دیوارها، گرجینی‌ها) را به مظاهر وجود تبدیل می‌کند و مرز ماده (سنگ کویر) و معنا (حیات سبز) را محو می‌نماید

چهار ستون بهشت

			
پویایی آب قنات در جوی‌ها و حوض طولی، همراه با جریان باد در بادگیر، تحول ذاتی طبیعت و سیر تکاملی بازدیدکننده از ورودی به کوشک را نشان می‌دهد	سلسله مراتب فضایی از حاشیه‌های کویری (زمین خشک و جوی‌های ساده) تا بادگیر مرتفع و کوشک مرکزی، که مراتب وجود را از مادی به روحانی بازتاب می‌دهد	تقارن کوشک مرکزی و حوض طولی، که عناصر باغ (درختان، جوی‌های آب، بادگیر) را به یک هسته معنوی متصل می‌کند و وحدت کیهانی را در بستر کویر نشان می‌دهد	جریان قنات زیرزمینی به عنوان وجود اصیل حیات بخش، که باغ و عناصر مصنوعی (کوشک، بادگیر، دیوارها) را به مظاهر وجود تبدیل می‌کند و مرز ماده (کویر خشک) و معنا (حیات سبز) را محو می‌نماید

کاشی

جوان آباد پیر



باغ شازده ماهان، دارای سلسله‌مراتب دسترسی از پایین دست به بالادست می‌باشد با ورود فرد به باغ حرکت چشم وی از پایین به بالا، بیانگر صعود در مراتب وجودی است.	عینیت حرکت جوهری در باغ شازده ماهان، در تغییرات فضلی گیاهان، جریان آب در محور مرکزی باغ و تغییر چهره فضا در ساعات مختلف روز نمود پیدا می‌کند	باغ شازده ماهان، به‌عنوان موجودی زنده در میان کویر (علم) معنا می‌یابد و ارزش آن در نسبت با کل باغ است نه صرفاً اجزای منفرد آن. به معنای دیگر عناصر طبیعی (آب، درخت) و مصنوع (کوشک) در این باغ در مقیاس کلان معنا می‌یابند	باغ شازده ماهان در دل کویر، تجسم وحدت در عین کثرت است؛ همه اجزا (کوشک، درخت، آب، زمین) به یک مرکز و یک حقیقت واحد ارجاع می‌شوند و وحدتی طبیعی از اجزای متنوع را ایجاد کرده‌است.
--	--	---	---

«شازده ماهان کرمان»



تحلیل هفت باغ منتخب در دوره‌های مختلف تاریخی نشان داد که ۴ اصل بنیادین «اصلت وجود»، «وحدت وجود»، «تشکیک وجود» و «حرکت جوهری» نه در سطحی نمادین و انتزاعی، بلکه در سازمان فضایی، سلسله‌مراتب، نحوه استقرار عناصر طبیعی و مصنوع، سیر کولاسیون حرکتی و تجربه ادراکی مخاطب حضور عینی دارند. تحلیل تطبیقی نمونه‌های مورد مطالعه در جدول ۶ نشان می‌دهد که اگرچه باغ‌های ایرانی بر مبنای اصول مشترک حکمت متعالیه قابل خوانش هستند، اما نحوه تجلی هر یک از اصول در آنها یکسان نیست و متناسب با ویژگی‌های تاریخی، اقلیمی، کالبدی و فضایی هر باغ، نمود متفاوتی می‌یابد. به بیان دیگر، تفاوت میان نمونه‌ها نه در اصل وجود این مفاهیم، بلکه در شدت، مرتبه و شیوه ظهور آنهاست؛ به گونه‌ای که در برخی باغ‌ها، اصل «اصلت وجود» از طریق نقش بنیادین آب و طبیعت در آفرینش حیات برجسته‌تر است، در حالی که در برخی دیگر، «تشکیک وجود» در قالب سلسله‌مراتب فضایی و حرکت تدریجی از مراتب مادی به مراتب معنوی، جلوه آشکارتری می‌یابد. همچنین «حرکت جوهری» گاه در پویایی آب، تغییرات طبیعی و سیر حرکتی مخاطب در فضا متجلی می‌شود و «وحدت وجود» نیز از طریق سازمان‌دهی محوری، مرکزیت فضایی و انسجام میان عناصر طبیعی و مصنوع، به نمایش درمی‌آید.

از منظر حکمت متعالیه، این تفاوت‌ها بیانگر تعارض میان اصول نیست، بلکه نشان‌دهنده مراتب گوناگون تجلی حقیقت واحد در کالبد باغ ایرانی است. بر اساس اصل تشکیک وجود، همه عناصر باغ، اعم از آب، گیاه، زمین، کوشک و محورهای حرکتی، اگرچه از نظر کالبدی دارای ماهیت‌های متفاوت هستند، اما همگی از حقیقت واحد وجود بهره‌مند بوده و هر یک به اندازه مرتبه وجودی خود، ظهور و تجلی آن حقیقت را نمایندگی می‌کنند. از این رو، باغ ایرانی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از عناصر طبیعی و مصنوع دانست، بلکه باید آن را نظامی وجودی تلقی کرد که در آن، کثرت عناصر در خدمت نمایش وحدت قرار گرفته است.

در نظام فلسفی ملاصدرا، فضا پیش از آن که به‌عنوان «مکان» و مأوی انسان تعریف شود، خود دارای مرتبه‌ای از وجود و کیفیتی قدسی است. در نتیجه، مکان زمانی معنا می‌یابد که مراتب مختلف وجود در قالب سازمان فضایی، روابط کالبدی و تجربه ادراکی انسان به وحدتی منسجم برسند؛ از این رو، باغ ایرانی را می‌توان تجلی عینی پیوند میان عالم ماده و عالم معنا دانست؛ جایی که کالبد، واسطه‌ای ظهور حقیقت است و فضای معماری، پیش از آن که مأوا باشد، خود حامل معنای قدسی و مرتبه‌ای از وجود است. بنابراین، قدرت فضای تعریف‌شده در اندیشه‌ی ملاصدرا

در آن است که می‌تواند کالبدی متشکل از عناصر بنیادین و مادی - کوشک، آب، باد و خاک - راه که گاه حضور و تأثیر آن‌ها فراتر از کارکرد ظاهری‌شان است، از طریق سازمان فضایی و روابط میان آنها، در مسیری متعالی‌تر رهنمون سازد.

نتیجه‌گیری

باغ ایرانی، به عنوان نخستین و باستانی‌ترین الگوهای منظر فرهنگی، نمادی زمینی از حقایق والای معنوی به شمار می‌رود. این باغ فراتر از یک فضای سبز ساده، بازتابی از اسرار فلسفی و هنری ایران است که از طریق اجزایی چون جریان آب، پوشش گیاهی، تابش نور، عمارت مرکزی و سامان هندسی، آشکار می‌گردد.

با تکیه بر دو مبنای کلیدی تشکیک وجود و حرکت جوهری در نظام فلسفی ملاصدرا، انسان در سیر کمال وجودی خویش، از سطوح حسی به لایه‌های عقلی صعود می‌کند و از طریق مراتب هستی، به جایگاه جدایی از ماده، عقول پاک و در نهایت نزدیکی به ذات واجب‌الوجود دست می‌یابد. این حرکت صعودی در ساختار فضایی باغ ایرانی به روشنی قابل مشاهده است؛ مسیر حرکت از ورودی تا کوشک مرکزی، بازتابی از سیر انسان از عالم ماده به عالم معناست. باغ با سلسله‌مراتب فضایی خود، امکان تجربه‌ی این حرکت معنوی را برای انسان فراهم می‌سازد و در هر مرتبه، او را به درکی عمیق‌تر از هستی راهنمایی می‌کند.

بر طبق نظریه اصالت وجود، هر موجود بالقوه از دو جنبه «هستی» و «چیستی» (ماهیت) تشکیل شده، لیکن در فلسفه متعالیه، هستی به عنوان واقعیت عینی و بنیادین پذیرفته می‌شود و چیستی تنها مفهومی ذهنی و وابسته به ادراک شمرده می‌گردد. از این رو، اندیشه ملاصدرا بر پایه اولویت هستی و فرعی بودن چیستی بنا نهاده شده است. این اصل در باغ ایرانی نیز مصداق دارد؛ چراکه فضا، به منزله‌ی جوهر اصلی باغ، بر کالبد و توده تقدم دارد. در باغ ایرانی، اصل «اصالت وجود» را می‌توان متناظر با اصل «اصالت فضا» در برابر توده دانست؛ بدین معنا که فضا، حامل معنای وجودی باغ است و توده صرفاً ابزاری برای ظهور آن به‌شمار می‌آید. معنا در بستر فضا شکل می‌گیرد و هر عنصری که واجد روحانیت و معناست، از مرتبه‌ی والای‌تری از وجود برخوردار است. بدین سان، باغ ایرانی در ذات خود به «اصالت فضا» باور دارد و ارزش آن نه در شکل مادی بلکه در حضور وجودی و معنوی آن نهفته است.

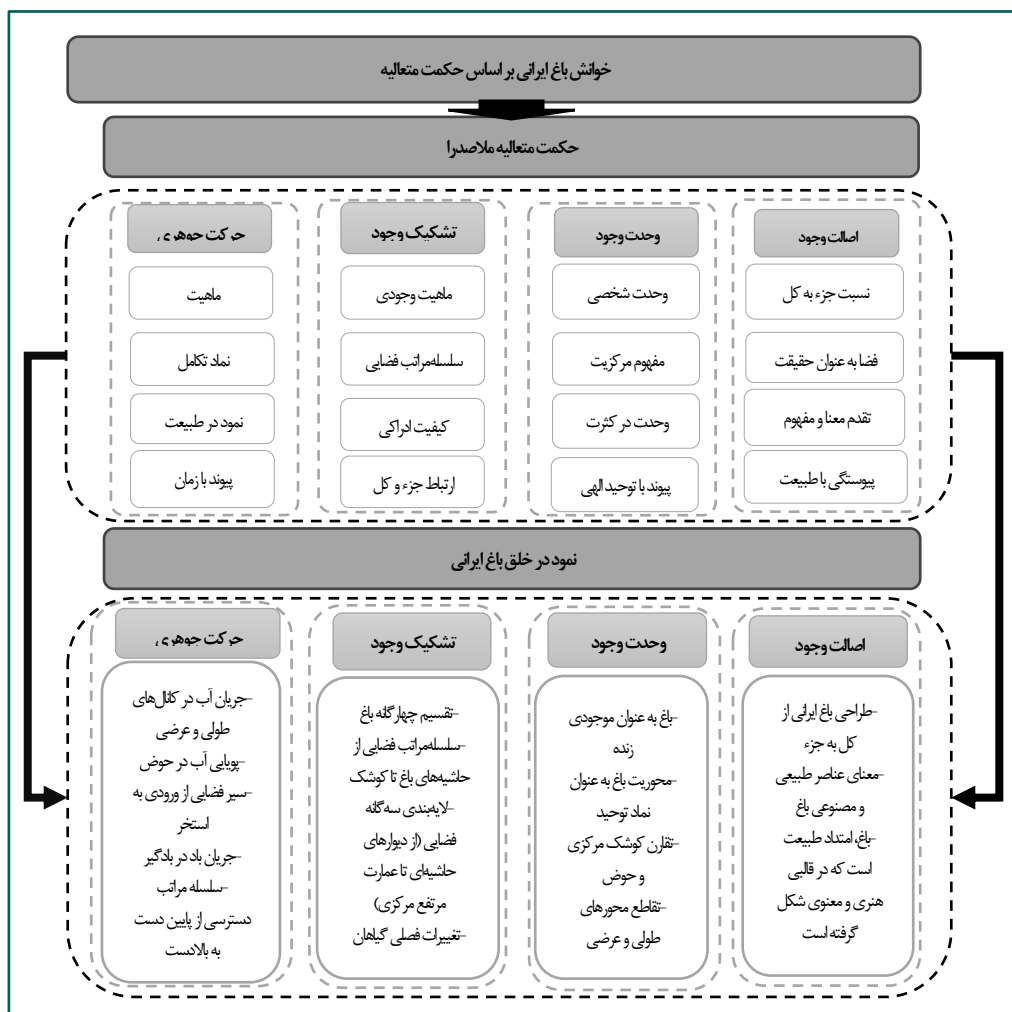
در نظام حکمت متعالیه، وحدت وجود نماد یگانگی ذات الهی است که در مقابل تنوع پدیده‌های جهان، به طور ذاتی و مستقل پایدار مانده و منشأ همه سطوح هستی به شمار می‌آید. این نگرش هستی‌شناختی در کالبد و سازمان فضایی باغ ایرانی نیز بازتاب یافته است؛ چراکه بنیان شکل‌گیری آن همواره بر محور اصل وحدت در عین کثرت استوار بوده است. نظم هندسی و مرکزگرایی فضایی در ساختار باغ، که در قالب حضور محورهای متقاطع، تقارن‌های دقیق و عنصر مرکزی چون حوض یا کوشک تجلی می‌یابد، بازنمایی عینی همین اصل متعالی است. در این ساختار، تمام اجزاء متکثر باغ در کلیتی واحد و هماهنگ به وحدت می‌رسند و نظامی از هم‌پیوندی و توازن را شکل می‌دهند که یادآور وحدت الهی در میان کثرات جهان است. کوشک در مرکز باغ، با اتکاء بر زمین و میل به سوی آسمان، نقش واسط میان عالم مادی و عالم قدسی را ایفا می‌کند؛ مکانی که در آن، مراتب وجودی از ماده تا معنا در پیوندی هماهنگ قابل ادراک می‌گردند. بدین ترتیب، فضا در باغ ایرانی بستری است برای آشکار شدن هستی، و کوشک به مثابه نقطه‌ی تمرکز این ظهور، جلوه‌ای از وحدت وجودی عالم را در مقیاس انسانی باز می‌تاباند.

کاوش ارتباط باغ ایرانی با قاعده حرکت جوهری آشکار می‌سازد که این فضا، ورای یک منظر طبیعی یا هنری، وسیله‌ای برای اتصال انسان به لایه‌های برتر هستی عمل می‌کند. این تفسیر بر آن است که درک ارزش هر پدیده، تنها از رهگذر نتایج معنوی و وجودی آن امکان‌پذیر است، و از همین رو، باغ ایرانی را می‌توان تجسم عینی هدف متعالی و قدسی انسان در مسیر تکامل دانست. همان گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، باغ ایرانی علاوه بر ساختار ارتباطی میان مراتب وجود، مخاطب را از سطح ادراکات حسی و مادی به سوی ادراکات معنوی و شهودی رهنمون می‌سازد. در نظام فلسفی و حکمی ایران اسلامی، وجود انسان مرکب از سه ساحت جسم، نفس و روح است. نفس به عنوان حلقه‌ی پیوند میان جسم و روح، بنا بر نظریه‌ی ملاصدرا، هم‌زمان با تولد در بدن پدید می‌آید و در مسیر حیات مادی، به تدریج رشد می‌یابد، از قید تعلقات جسمانی رها می‌شود و در پایان حیات زمینی، جسم را ترک گفته و با روح در مرتبه‌ای متعالی از هستی به حیات خود ادامه می‌دهد. الگوی فضایی باغ ایرانی نیز به گونه‌ای سامان یافته است که همین حرکت صعودی و تکاملی را به صورت عینی و قابل ادراک به نمایش می‌گذارد. این ساختار، مسیر حرکتی از ورودی تا کوشک مرکزی یا نقطه‌ی غایی باغ، استعاره‌ای از سفر انسان از عالم ماده به عالم معنا است. ترکیب

سلسله‌مراتبی فضاها، تنوع کیفیات نور، صدا و چشم‌اندازها، و تدریج در ادراک فضایی، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا انسان در فرآیند حضور در باغ، نوعی تجربه‌ی سلوکی را از سر بگذراند؛ تجربه‌ای که در نهایت، او را به مرحله‌ای از شهود و ادراک وحدت وجودی رهنمون می‌سازد. بدین سان، باغ ایرانی را می‌توان بازتابی از حرکت جوهری دانست که در آن، فضا به زبان طبیعت و معماری، مسیر کمال و تعالی انسان را مجسم می‌کند. در پایان این سیر ادراکی و وجودی، انسان با رسیدن به مرکز یا نقطه‌ی نهایی باغ، تمثیلی از وصال به واجب‌الوجود را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که هدف نهایی حرکت جوهری در حکمت متعالیه نیز همین است. یعنی رسیدن از کثرت به وحدت و از محسوس به معقول.

بررسی نسبت باغ ایرانی با اصل تشکیک وجود نشان می‌دهد که باغ، انسان را از مرتبه‌ی ادراک حسی به مرتبه‌ی ادراک عقلی و شهودی سوق می‌دهد و در نهایت، او را به مرحله‌ی درک وجود مطلق رهنمون می‌سازد. باغ ایرانی این فرآیند تعالی را از طریق استعاره‌های فضایی و حسی به نمایش می‌گذارد؛ بدین معنا که ادراک فضا، گذر از ظاهر به باطن و از صورت به معنا را تداعی می‌کند. بنابراین، میان انسان و معماری باید اشتراک وجودی و معنوی برقرار شود تا معنا در ادراک او متجلی گردد.

از دیدگاه ملاصدرا، وجود انسان از سه بُعد جسم، نفس و روح تشکیل شده است. در این میان، نفس عامل پیوند دهنده‌ی جسم و روح است و همچون محور صعود وجودی انسان عمل می‌کند. این ساختار سه‌گانه در باغ ایرانی نیز قابل شناسایی است؛ چراکه در آن، حضور عناصر مادی، نظم فضایی و تجربه‌ی شهودی در وحدتی تام با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا مراتب ادراک انسانی را از محسوس تا معقول در بستر فضا بازتاب دهند.



باغ ایرانی، برخاسته از روحی معنوی و قدسی است که سرچشمه‌ی تعالی آن محسوب می‌شود. این معنویت در تمامی سطوح از مبانی نظری و الگوهای سازماندهی فضایی گرفته تا مصادیق کالبدی و حسی حضور دارد و جهت‌گیری طراحی آن را به سوی ذات الهی و حقیقت وجود هدایت می‌کند. از همین رو، باغ ایرانی در ذات خود نه تنها مجموعه‌ای از فضاها، زیبا و کارآمد، بلکه تجسمی از اندیشه‌ی الهی و حضور معنا در ماده است. باغ ایرانی، برخاسته از روحی معنوی و قدسی است که سرچشمه‌ی تعالی آن محسوب می‌شود. این معنویت در تمامی سطوح از مبانی نظری و الگوهای سازماندهی فضایی گرفته تا مصادیق کالبدی و حسی حضور دارد و جهت‌گیری طراحی آن را به سوی ذات الهی و حقیقت وجود هدایت می‌کند. از همین رو، باغ ایرانی در ذات خود نه تنها مجموعه‌ای از فضاها، زیبا و کارآمد، بلکه تجسمی از اندیشه‌ی الهی و حضور معنا در ماده است. برآیند تحلیل تطبیقی باغ‌های پاسارگاد، فین، چهلستون اصفهان، چهلستون بهشهر، گلشن طبس، دولت‌آباد یزد و شازده ماهان نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های تاریخی و اقلیمی، ساختار وجودی مشترکی در آن‌ها قابل شناسایی است که با اصول حکمت متعالیه هم‌خوانی دارد. این هم‌خوانی نه به معنای تأثیر مستقیم تاریخی، بلکه بیانگر ریشه‌مندی باغ ایرانی در جهان‌بینی‌ای است که وجود را حقیقت اصیل، مراتب آن را تشکیکی، کثرت را تجلی وحدت و حرکت را ذاتی هستی می‌داند.

دست‌آورد پژوهش

مطالعه‌ی حاضر با هدف ارائه خوانشی وجودشناختی از باغ ایرانی بر اساس چهار اصل بنیادین حکمت متعالیه ملاصدرا، شامل «اصالت وجود»، «وحدت وجود»، «تشکیک وجود» و «حرکت جوهری»، در تلاش برای پاسخ به این سؤال بوده است که، چگونه می‌توان معماری باغ ایرانی را براساس حکمت متعالیه تبیین کرد. بررسی نمونه‌های موردی که شامل باغ‌های پاسارگاد، فین، چهلستون اصفهان، چهلستون بهشهر، گلشن طبس، دولت‌آباد یزد و شازده ماهان بوده است، نشان داد که، علی‌رغم تفاوت‌های تاریخی و اقلیمی، در ساختار فضایی و معنایی این باغ‌ها مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک قابل شناسایی است که با مبانی حکمت متعالیه هم‌خوانی دارد. این هم‌خوانی در سازماندهی فضایی، مرکزیت، سلسله‌مراتب، نسبت جزء و کل، پیوستگی با طبیعت، جریان و پویایی آب، کیفیت‌های حسی و ادراکی و حرکت تدریجی در فضای باغ قابل مشاهده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، «اصالت وجود» را می‌توان در تقدم معنا بر صورت، اهمیت فضای خالی، پیوند باغ با طبیعت و نحوه قرارگیری هر عنصر در ارتباط با کلیت باغ مشاهده کرد. «وحدت وجود» نیز در سازمان دهی باغ حول یک مرکز، ایجاد وحدت میان عناصر متنوع و ارتباط بین اجزای طبیعی و مصنوع نمود پیدا می‌کند. «تشکیک وجود» بیشتر در سلسله‌مراتب فضایی و تفاوت کیفیت‌های ادراکی و معنایی فضاها قابل مشاهده است. «حرکت جوهری» نیز در پویایی طبیعت، حرکت آب، تغییرات فصلی و همچنین حرکت تدریجی انسان در مسیر باغ، از ورودی به سوی مرکز، قابل مشاهده است. از این منظر، ساختار باغ تنها مجموعه‌ای از عناصر ثابت نیست، بلکه فضایی است که در آن زمان، حرکت، طبیعت و تجربه انسان در شکل‌گیری معنا نقش دارند.

نوآوری این پژوهش در تلاش برای برقراری یک ارتباط منسجم میان مبانی وجودشناختی حکمت متعالیه و ویژگی‌های کالبدی، فضایی و ادراکی باغ ایرانی است. در این خوانش، باغ صرفاً به‌عنوان یک الگوی فرمی یا هندسی بررسی نمی‌شود، بلکه ساختار آن در ارتباط با یک نظام فکری و معنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. از نظر کاربردی، این نتایج می‌تواند در بازخوانی هویت معنایی باغ ایرانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، برخی از اصول شناسایی‌شده، مانند مرکزیت، سلسله‌مراتب فضایی، پیوستگی با طبیعت، وحدت میان عناصر متنوع و حرکت تدریجی در فضا، می‌توانند در طراحی منظر و فضاها، معماری معاصر مورد توجه قرار گیرند؛ البته نه به صورت تقلید مستقیم از فرم باغ ایرانی، بلکه با درک منطق فضایی و معنایی نهفته در آن. در ادامه، می‌توان چارچوب به‌دست‌آمده را در نمونه‌های بیشتری از باغ‌های تاریخی ایران بررسی کرد و میزان انطباق آن را در دوره‌ها و زمینه‌های جغرافیایی متفاوت مورد سنجش قرار داد. همچنین بررسی ارتباط این اصول با دیگر گونه‌های معماری ایرانی می‌تواند نشان دهد که آیا این الگوی وجودشناختی صرفاً در باغ ایرانی قابل مشاهده است یا در سازمان فضایی سایر بناهای سنتی نیز حضور دارد.

ملاحظات اخلاقی و اطلاعات تکمیلی

حمایت مالی: طبق اظهار نویسندگان، این پژوهش هیچ بودجه خارجی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، هیچ گونه تعارض منافع شخصی، مالی یا حرفه‌ای در رابطه با پژوهش حاضر و انتشار این مقاله ندارند.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی: نویسندگان اعلام می‌دارند صرفاً در ترجمه بخش چکیده انگلیسی از هوش مصنوعی ChatGPT استفاده شده‌است و نسخه نهایی توسط نگارندگان به‌طور کامل بازبینی و تأیید شده‌است.

منابع

- آشتیانی، سید جلال الدین. (۱۳۷۸). *منتخباتی از آثار حکماء الهی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اخلاقی، مرضیه. (۱۳۸۸). *حقیقت انسان و جایگاه آن در نظام هستی*. تهران: بنیاد حکمت صدر.
- اردلان، نادر؛ پختیار، لاله. (۱۳۸۰). *حس وحدت، ترجمه ی حمید شاهرخ*. تهران: خاک.
- اردلان، نادر؛ پختیار، لاله. (۱۳۹۱). *حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی* (ترجمه ی ونداد جلیلی). نوبت چاپ ۲، تهران: مؤسسه علم معمار روبال.
- براتی، ناصر؛ آل هاشمی، آیدا؛ میناتورسجادی، آرمان. (۱۳۹۶). جهان بینی ایرانیان و شکل گیری الگوی محوری باغ ایرانی. *منظر*، ۹ (۴۱)، ۱۵-۶.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۰). *میانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). *نقش کعبه در هنر اسلامی، از کتاب: میانی هنر معنوی*. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۸). *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*. چاپ دوم. تهران: فرهنگستان هنر.
- پروین، حسین؛ متدین، حشمت الله. (۱۴۰۱). خوانش باغ ایرانی در مینیاتور، با تأکید بر مینیاتورهای شاهنامه ی بایسنقری. *منظر*، ۱۴ (۵۹)، ۱۹-۶. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.325455.2179>
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۹۴). *سبک شناسی معماری ایرانی*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- تاجر، علی. (۱۳۸۹). *حکمت وجودی معماری*. رساله ی منتشر نشده دکتری معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- جوادلی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). هنر و زیبایی از منظر دین. *هنر دینی*، شماره ۲۱ و ۲۲.
- حکمت، نصرالله. (۱۳۸۱). *وجود و ماهیت در حکمت متعالیه*. تهران: انتشارات الهام.
- خامنه ای، محمد. (۱۳۸۳). *حکمت متعالیه و ملاصدرا*. تهران: تولید کتاب.
- رزاقی، مهسا؛ لفافچی، مینو. (۱۴۰۳). خوانش تعاملات معماری و طبیعت در باغ مزار ایرانی از منظر نشانه شناسی بر پایه اصالت معنا نمونه موردی: باغ مزار شاه نعمت اله ولی در کرمان. *مطالعات علوم محیط زیست*، ۹ (۳)، ۹۰۵۵-۹۰۵۵. <https://doi.org/10.22034/jess.2023.405742.2075>
- زمانی، محبوبه؛ اکبری، امیر؛ متولی حقیقی، مناد. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی شکل گیری رواق الله وردی خان حرم مطهر رضوی بر مبنای وجودشناسی حکمت متعالیه ملاصدرا. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۱۳ (۴۸)، ۱۱۲-۸۹. <https://doi.org/10.22034/jgk.2022.308570.0>
- سلیمانی شیجانی، زینب؛ خاکپور، مژگان؛ رئیس سمیعی، محمدمهدی. (۱۳۹۳). بازنگری اصول و اهداف معماری معاصر ایرانی با استفاده از نظریه فکر ملاصدرا. *نقش جهان*، ۹ (۱۱۴)، ۶۴-۵۷.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۸). تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روان شناسی بوم شناختی. *هویت شهر*، ۵ (۳)، ۸۴-۷۱.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). *بتهای ذهنی و خاطره ازلی*. تهران: امیرکبیر.
- شجاری، مرتضی. (۱۳۸۸). *زمان در عرفان اسلامی، ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی*، شماره ۱۴.
- شجاری، مرتضی. (۱۳۹۴). *انسان در حکمت صدرایی* (ویژه ی رشته های علوم انسانی). قم: دفتر نشر معارف.
- شجاری، مرتضی؛ سلخی خسرقی، صفا؛ آصفی، مازیار. (۱۳۹۶). حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد برمبنای آرای ملاصدرا نمونه موری: مسجد کبود تبریز. *کیمیای هنر*، ۲۲ (۷۵-۸۸).
- صالحی، آتنا؛ حقانی، مهسا؛ صالحی بالادهی، عالمه. (۱۴۰۲). تعمیم پذیری مفهوم «مرکز» از دیدگاه کریستوفر الکساندر در باغ چهلستون به شهر. *راهنمای پژوهش در سومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب*.
- صحاف، سیدمحمدخسرو. (۱۳۹۰). *تبیین ساحت معنوی در خانه ایرانی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

عابدینی، فیض‌الله؛ جوارشکیان، عباس؛ حسینی‌شاهرودی، سیدمرتضی. (۱۳۹۹). تمایز مبنایی حکمت صدرایی و حکمت سینوی در مسأله حرکت جوهری. حکمت صدرایی. ۹۱-۱۰۳، (۵۲)۶.

عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام حکمت صدرایی. قم: سمت.

فایندی، اکبر. (۱۳۹۱). ظهور حکمت صدرایی و نقش آن در احیای حکمت هنر اسلامی. مجله تاریخ فلسفه. ۲. شماره (۴ پیاپی ۸). ۱۳۳-۱۴۶.

کریمستین سن، آرتور. (۱۳۷۷). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌های ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.

متولی حقیقی، منا؛ صحافه خسرو؛ کمالی‌زاده طاهره. (۱۴۰۲). تعالی در معماری ایرانی با تأملی در حکمت متعالیه. باغ نظر. ۲۰ (۱۲۹)، ۴۵-۵۶. <https://doi.org/10.22034/bagh.10.22034.2023.4048855410>

محمودیان، حمید. (۱۳۸۸). وحدت وجود و وحدت شهود در عرفان اسلامی عرفان و ادیان. (۲۰۱۵)، ۳۷-۶۷.

مصلح، جواد. (۱۳۵۳). فلسفه عالی و حکمت صدرالمتألهین. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

معلمی، حسن. (۱۳۸۷). حکمت متعالیه. قم: مرکز نشر هاجر.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.

معین مهر، صدیقه مجیدی، وحید. (۱۴۰۱). شناسایی معیارهای طراحی معماری مدرسه مبتنی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا به مثابه عامل مؤثر در شکل‌گیری هویت انسان (بررسی پنج نمونه از مدارس معاصر در ایران). تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ۸(۲)، ۱۰۱-۱۳۲. <https://doi.org/10.1001.1.2476745.1401.8.2.5.5>

ملاصدرا (محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی). (۱۳۷۵). مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین. تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: حکمت.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ملاصدرا، محمد. (۱۳۶۸). الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الاربعه، قم: مصطفوی.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه، تهران: بنیاد حکمت صدر.

مهرافزا، سمیرا؛ رضایی، محمود؛ کمالی‌زاده طاهره. (۱۴۰۲). تبیین محاکات متأثر از آرای صدرا در آفرینش فضاهای شهری و معماری. باغ نظر. ۲۰ (۱۲۲)، ۶۷-۸۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.347638.5212>

نسفی، عزیز بن محمد. (۱۳۸۴). انسان کامل (به کوشش ماریژان موله). تهران: انتشارات طهوری.

نصر، سیدحسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی (ترجمه‌ی رحیم قاسمیان). تهران: حوزه هنری.

نصر، سیدحسین. (۱۳۹۴). هنر و معنویت (ترجمه‌ی رحیم قاسمیان). تهران: نشر حکمت.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲). حکمت هنر و معماری اسلامی. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

وثیق، بهزاد؛ پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۷). بررسی حکمت عناصر منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۱ (۱)، ۸۳-۹۷.

یاری، فهیمه؛ هورشناس، راضیه. (۱۳۹۶). معماری ایرانی و نگرش به رمزاندیشی در طراحی باغ‌های ایرانی نمونه موردی: باغ ارم شیراز. مهندسی ساختمان و علوم مسکن. ۱۱ (۲۱).

Hrdg, Claus. (1997). The structure forms in Islamic architecture in Iran and Turkistan, translated by Consulting Engineers Research and Sponsors, Publication canvases Translated by, Mohammad Taghi Zadeh absolute, Organized by: Mohammad Reza N., printing.

Kashfi, Ali. (2012). "The study of different meanings of Being's Reality in Moula-Sadra's Philosophy". *Journal of Religious Studies*. (vol1), 45-56.

Mir Findiriski, Mohammad Amin. (2004). "Iran's Garden? Drkjust Persian garden?" Proceedings of the First Conference on of Iranian gardens, Cultural Heritage & Tourism organizations of Iran.

Samie Azar, Alireza. (2007). Ancient wisdom, new perspective, Museum of Contemporary Art, Tehran.